ومعدن کان منه متعلق است بمقدر وصفت منطق و مبتسم آن حضرت
گویا که دردانه مستور در صدف حاصل است از دو کان که
یکی محل نطق آن حضرت و دیگر محل تبسم او علیه الصلوة والسلام
و مراد بدر دو کان زبان و دولب آن حضرت است و لب تشبیه کرده‌اند
در مکنون در صدف الا اسنان آن حضرت صلی الله علیه وسلم که حاصل شد
از زبان و دولبان بطریق تشبیه مطلوبست برای گردن
آنکه سخنان آنحضرت فایق است بر در مکنون در صدف و شاید که مراد
بدر یکه در صدف حاصل است از تبسم آن حضرت دندانهای مبارک آن حضرت باشد
یا خدم م لا طیب یعدل تربا ضم اعظمه طوبی لمنتشق منه و ملتثم ش لا از
برای نفی جنس است و طیب اسم او و منصوب علی انه نصب و یعدل خبر اوست
مشتق از عدل است بمعنی برابر است حاصل جبر انجیران تربا مفعول یعدل
و اسط یعدل است و مفعول بواسطه باشد و لفظ اوی بنا بر نزع
خافض باشد و مفعول و بواسطه را محذوف دارند تقدیر چنین
شود که یعدل بعبیر او تربا ضم اعظمه باعتبار ضمیر مستتر راجع
بتربا جمله فعلیه است صفت تربا و اعظمه مفعول ضم و آن جمع عظم

بمعنی آنچوا

بمعنی آنچوان و ضمیر اعظمه عاید است به حضرت علیه السلام طوبی مبتداست
لمنتشق متعلق است بمحذوف خبر او و منه متعلق است بمنتشق طوبی
فعل است از طیب با اله فرو شکرد اند بیق طوبی لک و طوبی که با لام اضافه
استنشاق بو میدن و التثام بوسیدن منتشق جمع خوش بوئی
برابر بسازد خاک را که جمع کرده است استخوانهای آنحضرت علیه السلام
نفس خوی یعنی هیچ خوش بوئی نتوانند برابر کند خاک آنجا که جمع ساخته
آن خاک استخوانهای مبارک آن سرور علیه السلام و اکثر این ترکیب افاده ترجیح
مفعول بواسطه میکند ظاهر نیست برای این ضابطه ندارد که افتی
مقصد ترجیح مفعول بی واسطه مبادا چنانکه بسیار فرود میگوید
در حق الهی برابر نمیکنم و گاهی بعکس آن چنانکه نسبت فوق گویند که
با او برابر نمیشوم یعنی مرتبه او عالی است با او برابری نمیشوم
م ابان مولده عن طیب عنصره یا طیب مبتدا منه و مختتم ش ابان ظاهر
ظاهر ساختن و مولد اسم زمانست از ولادت یعنی زمان زادن
و فاعل ابان ضمیر مجرورست عاید بحضرت علیه السلام و عن طیب متعلق بابان
و طیب پاکیزه و عنصر اصل و ماده را گویند یا حرف ندا مبتدا اسم زمان

Copyright © King Saud University